

# همشهری

## حافظ

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم

صحفا: علی رضا بهرامی

## صفحه آخر

همشهری: www.hamshahrionline.ir  
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴  
کدپستی: ۰۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴  
تلفن: ۰۲۲-۴۶۰۶۷۰۰، ۰۲۲-۴۶۰۶۷۰۱

پدیرش آگهی: ۸۳۲۳۱۰۰۰  
چاپ: همشهری  
تلفن: ۰۲۲-۴۸۰۷۵۰۰

**فرهنگ شهر:**  
دبیر: هبه همدانی  
گزارش: ...  
مدیر: ...  
...  
**سیاسی و دیپلماتیک:**  
مدیر: ...  
...  
**اقتصاد:**  
مدیر: ...  
...  
**تماشگر:**  
مدیر: ...  
...  
**طرح و گرافیک:**  
مدیر: ...

### خط خطی

معلم‌ها سر کلاس خیلی حرف می‌زنند و روزنامه‌نگارها در روزنامه قلم و جلا تریکیش، همین می‌شود که می‌خوانید. اینها برخی از یادداشت‌های روزانه یک معلم ساده است و یک روزنامه‌نگار خط خطی.

### نانوا در میدان شهر

سیدمروش طباطبایی پور در نخستین روز از دومین هفته سال تحصیلی، پاییز، آن روی خودش را به من نشان داد و آن قدر گرم و سرد شد که مرا از پا انداخت. شب تا صبح در تب سوختم، عرق ریختم و خودم را به انواع عرقچات، پاشویه، قرص و دوا بستم تا دم طلوع آفتاب، سر حال شدم. اول تصمیم گرفتم به مدیر مدرسه پیامکی بزنم و امروز را مرخص بگیرم. اما پادم آمد که در شغل ما، مرخصی اصلا بی‌معناست. یک معلم اگر یک روز سر کلاسی به هر دلیلی حاضر نشود، حتی همسایه‌های ۵۰ کوچه بالاتر هم از سر و صدای بچه‌های بی‌معلم، سرسام می‌گیرند و آن قدر بیهوش و باغی می‌شوند که فرستند که معلم بخت بر گشته، حتی شاید دیگر نتواند از جای بلند شود.

و البته پادم افتاد که قرار است نخستین املاي سال جدید را هم به بچه‌ها بگویم و احتمالا آنها هم خودشان را برای آزمون آماده کرده‌اند و اگر نرم، مزد زحمتشان را نمی‌گیرند. خلاصه به هر مشقتی که بود، مثل همه معلم‌های باکلاس، ششال و کلاه کردم و صبح راهی مدرسه شدم. البته مراقب بودم که چند ماسک ریز و درشت همراه داشته باشم تا بچه‌هایم، بیمار نشوند.

زنگ اول، بچه‌ها صف به صف وارد کلاس شدند و من هم پشت سر آنها، وقتی مرا دیدند، به احترامم، روی پا ایستادند. خدا را شکر، رنگ و روی صدام هنوز ترفته بود؛ چون معلم بی‌صدا در کلاس، مثل جای بی‌شکر، قیমে بی‌سبب مینوی و زرشک پلو با مرغ بی‌مرغ است. با حرکت سر، از بچه‌ها تشکر کردم و آنها هم یک خط در میان نشستند. آرش گفت: «آقا... خدا بد نده، مورچه گازتون گرفته؟» و کلاس رفت روی هوا. لیخند زدم، اما لیخندم از پشت ماسک آبی روی صورتم پیدا نبود. برآیم جالب بود، انگار ماسک روی صورتم، کار خودش را کرده بود و بی‌درد، سکوت در کلاس برقرار شد. بره‌های سفید املا را بین بچه‌ها پخش کردم. وقتی آخرین برگه سفید، به‌دست آخرین نفر کلاس رسید، سیاه کردن برگه‌ها آغاز شد: «نانوا در میدان شهر چرخید تا...»

به‌خاطر ماسک روی صورتم، با صدایی بلندتر متن املا را خواندم. اما برآیم عجیب بود که آرش، هی به‌خودش می‌پیچید و با وجود صدای بلند، هی به‌صورت نگاه می‌کرد و نامید، چیزهایی می‌نوشت. توی دفتر، موقع تصحیح برگه‌ها، برگه آرش به دستم رسید. عجیب بود. نوشته بود: «نانوا در میان شهر...» ولی من که گفته بودم: «نانوا در میدان شهر...» انگار آرش، همه چیز را چپکی شنیده بود، ولی صدای من که بلند بود همان لحظه یاد ماسک لعنتی افتادم. نکند آرش درست نمی‌شنود؟ نکند در رنگ‌های املاي سال‌های گذشته، به‌جای شنیدن، لب خوانی می‌کرده؟ نکند آرش، کم‌شنواسه؟ آرش را صدا زدم. نگران بود. ماسکم را برداشتم و گفتم: «می‌خوام دوباره به تو املا بگویم.» لیخند ریزی روی لبانش دودید. همانجورای صندلی دفتر مدرسه نشست. قلم و کاغذ را جلوی چشم گذاشتم و گفتم: «نانوا در میدان شهر...» و آرش، که هی به‌صورت نگاه می‌کرد، نوشت: «نانوا در میدان شهر...»

### عکس خانه

### عبور روزهای زندگی



عکاسی خیابانی، به شاخه‌ای از عکاسی گفته می‌شود که عکاس برای بیان حس مردم آن شهر، محله یا خیابان، بدون چیدمان‌های معمول مصنوعی، حالت‌های سبزه‌هایش را بکوه شکار می‌کند. این تصویر، یکی از عکس‌های برتر در شاخه خیابانی است. اینجا خیابانی در کاتماندو، پایتخت کشور نپال است. پیرومرد، در کنار دیوارهای سیمانی نشسته و محو قدم‌زدن مردی جوان است. برای یک لحظه و پس از توقف اتفاقی موتورسیکلت، تصویر پیرومرد متفکر، در آینه موتور، منعکس می‌شود و اینجاست که «کارلین وینتلر»، عکاس این اثر، وارد عمل می‌شود و اثرش را ثبت می‌کند.

# راوی زیبایی دوران سیاهی

به مناسبت ۲۰مهرماه، بزرگداشت روز حافظ



نعمت‌الله ولی، شاه شیخ ابواسحاق، شاه شجاع، تیمور لنگ و بسیاری دیگر معاصر بود. در دوره پر آشوبی زندگی می‌کرد. از زادگاه خود سفر نکرد. در عهد خویش، مشهور و گرامی و ارجمند بود. فقط یک دیوان شعر از او به جا مانده و همین کافی است. سخنش از همان زمان حیاتش شهرتی جهانی و روزافزون داشت. مردم او را «لسان‌الغیب» و «ترجمان‌الاسرار» لقب داده‌اند و محرم رازش می‌دانند و با دیوانه‌های فال می‌گیرند. شعرش در هر محفل و مجلسی راه دارد. بیشترین تعداد چاپ کتاب شعر در ایران و نیز بیشترین تعداد ترجمه اشعار یک شاعر به زبان‌های دیگر متعلق به اوست.

درباره او یکی نوشت: «به واسطه بلاغت و غایت شهرت به جودت لفظ و عبارات، احتیاج به تعریف ناظمین منظم سخنوری ندارد. به مانتاب چه حاجت شب تجلی را» تاریخ حبیب‌اللسیر) و دیگری نوشت: «هیچ دیوان به از دیوان حافظ نیست، اگر مرد صوفی باشد» (نفحات الانس) و امروز نیز همه می‌گویند که او از بزرگ‌ترین شعرای زبان فارسی، از آن چهار - پنج تن انگشت‌شمار و به قول نیما یوشیج، «یکی از اعجوبه‌های خلقت است».

حافظ معمايي است. او چه در روزگار قدیم و چه در زمانه‌ای که مدرنیته تمام سنت‌های ما را به چالش می‌کشد همچنان در ناخودآگاه ذهن و زبان ما حضور دارد. شعرش را که نگاه می‌کنیم، به نظرمان سهل و آسان می‌آید، پس که به حرف زدن طبیعی می‌ماند. با این حال هیچ شاعر دیگری را سراغ ندادیم که مانند او سخن گفته و شعرش هنوز هم زبان حال ایرانی‌های گمشده در دنیای دود و ترافیک باشد.

حافظ یک راز است. اشعار او ما را به باغ‌های پر گل شیراز می‌برد و نادمان می‌رود که او این اشعار نغز را زمانی سروده است که تیمور تاتار از سرها مناره می‌ساخت و هر چه را که از حمله جنگیز جان سالم به در برده بود با خاک یکسان می‌کرد. یک روزنامه‌نگار آمریکایی نوشته بود: «شعر حافظ نمود زنده بودن ایرانیان است».

حافظ یک ماجراست. او تبلیغ عشق و رندی می‌کند و برهیز از ریاکاری و ما اگر چه عاشق نیستیم و ربا می‌کنیم، اما همه رندیم. مثل هر بزرگ دیگری، زندگی او هم در دل افسانه‌ها گم شده است. دو-سه چیزی که از او می‌دانیم از این قرار است: شمس‌الدین محمد،

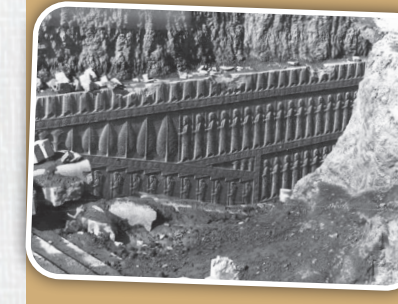
## برآمده از دل تاریخ

### گزارش تصویری از آثار باستانی که تقریباً سالم از دل خاک بیرون آمده‌اند

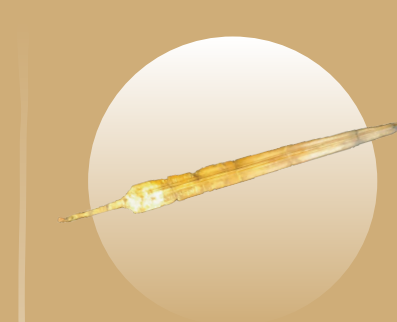
و راه حل‌هایشان، حتی می‌تواند راهگشای رازهای زندگی در مسیر آینده این کره خاکی باشد. حالا اگر این کشتی‌های کشف شده از قعر دریاها و شمشیرهای قرون گذشته، صحیح و سلامت به‌دست باستان‌شناسان برسند، حتما شگفت‌انگیزتر نیز خواهند بود. در اینجا به برخی اکتشافات شگفت‌انگیز باستان‌شناسان اشاره می‌کنیم که تقریباً سالم، کشف شده‌اند.



گروهی از باستان‌شناسان دانشگاه میشیگان آمریکا، سکه‌های طلایی متعلق به امپراتوری ایران باستان را از یک گلدان کوچک در غرب ترکیه کشف کردند؛ سکه‌های سالمی که به قرون پنجم قبل از میلاد حضرت مسیح بازمی‌گردد.



دیواره اصلی تخت جمشید که ۲۵ قرن پیش توسط خشایارشا هخامنشی تکمیل شده بود، حدود ۱۰۰ سال پیش، به‌طور کامل و بدون نقص، از دل خاک توسط باستان‌شناسان بیرون آورده شد و حالا در رشته کوه زاگرس راه‌دید قدمت این لوح گلی بابلی، با احتمال زیاد به ۲۶۰۰ تا ۲۷۰۰ سال قبل بازمی‌گردد.



چندی پیش کشف یک شمشیر برنزی متعلق به رامسس دوم فرعون مصر باستان در ۳۳۰۰ سال پیش، آن هم به شکل تقریباً سالم، باستان‌شناسان را بسیار شگفت‌زده کرد. این شمشیر که نام پادشاهی از مصر باستان روی بدنه آن حک شده، در یک قلعه نظامی باستانی در شمال شرقی مصر مدفون شده بود.



این کفش‌ها، به ۶ هزار سال پیش بازمی‌گردند؛ کفش‌هایی کودگانه که از علف اسب‌ها ساخته شده و باستان‌شناسان آنها را در غاری در جنوب اسپانیا کشف کرده‌اند.



کشتی جنگی سوئدی «واسا» در سال ۱۶۲۸ میلادی، وقتی تنها چند کیلومتر از اسکله فاصله گرفت در اعماق دریا غرق و پس از ۳۳۲ سال، یعنی در سال ۱۹۶۱ تقریباً سالم از کف دریا کشف شد. این کشتی حالا در موزه واسا در استکهلم سوئد قرار دارد و این مکان از محبوب‌ترین جاذبه‌های توریستی این کشور است.



این کفش‌ها، به ۶ هزار سال پیش بازمی‌گردند؛ کفش‌هایی کودگانه که از علف اسب‌ها ساخته شده و باستان‌شناسان آنها را در غاری در جنوب اسپانیا کشف کرده‌اند.

### خوش خبر

### تهرانی‌ها را کورد زدند



همیشه که قرار نیست رکورد در بودن تهرانی‌ها در خبرها، رکوردهای منفی باشد. مثل شکستن رکورد مصرف برق یا از این دست خبرها که الحاق هم جالب نیستند. اما این بار خبر ما از شکستن رکورد پایتخت‌نشینان از آن خبرهای افتخار آفرین است که تهرانی‌ها می‌توانند کلی با آن بزنند. حالا اصل خبر چیست؟ خبر این است که ستاد دبه استان تهران رتبه اول را در آزاد کردن زندانی‌ها به‌دست آورده است. این خبر را مدیر ستاد دبه استان تهران، حشمت‌الله حیات الغیب گفته و جزئیات خبر سانی تهرانی‌ها را هم توضیح داده است. قضیه از این قرار است که در عهده اول سال، نیکوکاران در میدان رقایب و ایثار مال، بدهی ۴۸۰ نفر زندانی به‌دستکار را پرداخت کرده‌اند که نسبت زندانیان آزاد شده نسبت به نیمه نخست سال گذشته رشد بیش از ۸۵ درصدی دارد. از این ۴۸۰ نفر، ۴۳۸ نفر آقا و ۴۲ نفر هم زندانی خانم بوده‌اند. بدهی آنها هم بیش از یک هزار میلیارد تومان بوده که بخش قابل توجهی از آن توسط خیران پرداخت شده و شاکیان هم بی‌خیال بخش قابل توجهی از آن شدند. البته بخشی از بدهی هم با قبول اعسار از سوی مراجع قضایی کاهش پیدا کرد تا مددجویان واجد شرایط بعد از آزادی به‌صورت اقساط، بدهی خود را پرداخت کنند.

### کار جالب آقای رئیس پلیس



تصور کنید بدون کلاه ایمنی در حال موتورسواری در خیابان‌های شلوغ شهر هستید و ناگهان پلیس جلوی شما را می‌گیرد. قطعاً نخستین چیزی که به ذهنانتان می‌رسد این است که پلیس می‌خواهد شما را جریمه کند و یا حتی موتورتان را به پارکینگ انتقال دهد، اما وقتی متوقف می‌شوید، می‌بینید موضوع چیز دیگری است و حسابی گل از گلان می‌شکند. به این حکایت یکی از شهروندانی است که هم‌زمان با هفته فراجا، مورد مرحمت پلیس‌های وظیفه‌شناس قرار گرفته تا خود را موظف به رعایت قانون بدانند. در واقع پلیس‌های شهرمان برای فرهنگسازی هرچه بیشتر و حفاظت از جان شهروندان دست‌به‌کار شدند و دست به ابتکار جالبی زدند. کلاهی که در عکس بالا می‌بینید، هدایای سرهنگ سیدابوالفضل موسوی پور، رئیس پلیس راهور پایتخت به شهروند موتورسواری است که بدون کلاه ایمنی در حال تردد در شهر بود و بعد از توقف، یک کلاه ایمنی از پلیس دریافت کرد. جادارد در تکمیل این خبر، خدافتوی جانانه بگویم به پلیس‌هایی که تمام و کمال خود را وقف خدمت به مردم کرده‌اند و این روزها لایق بهترین قدر دانی‌ها هستند.

### گرتیوج

### دستکاری عکس رسمی



ویرایش یک عکس رسمی در شبکه‌های اجتماعی از این جنجال برانگیخته‌است. ماجرا از آنجا آغاز شد که نخست‌وزیر ژاپن که به تازگی کابینه جدیدش را معرفی کرده، همراه با وزرایش عکسی رسمی و یادگاری گرفت. رسانه‌های محلی هم این عکس دسته‌جمعی را منتشر کردند و با کمی تأخیر، خبرگزاری رسمی دولت هم آن را بازنشر کرد. اما کاربران شبکه‌های اجتماعی متوجه یک تفاوت در این دو عکس شدند. در عکسی که در رسانه‌های محلی منتشر شد بخشی از زیرپیراهنی جناب نخست‌وزیر و وزیر دفاع این کشور از زیر کت و شلوار رسمی بیرون آمده، اما در تصویر رسمی، این نامرئی ویرایش شده. البته رسانه‌های محلی هم به سرعت تصویر اصلی را حذف و عکس ویرایش شده را بازنشر کردند، اما در دنیای سریع انتقال اطلاعات دیگر کار از کار گذشته بود و مقایسه این دو عکس، مخاطبان شبکه‌های اجتماعی جهان را به خنده انداخته بود.